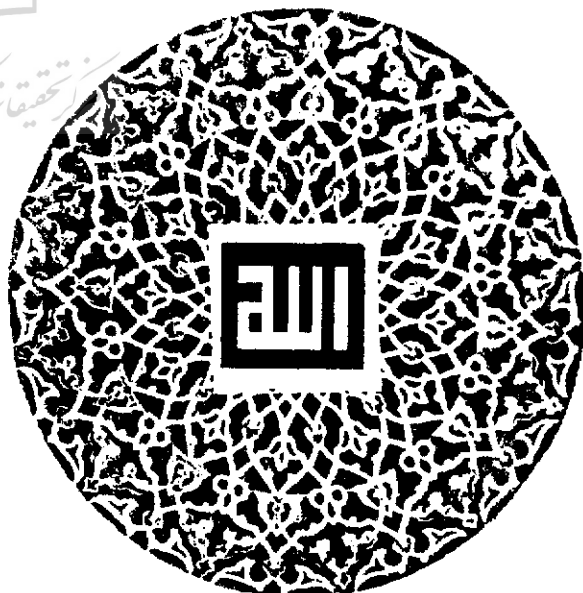


تاریخ ترجمه‌های فارسی قرآن

«ترجمه تفسیر طبری»

قسمت دوم



محمد تقی اجاق فقیهی

با گذشت سالهای پر حادثه، به مرور اسلام در میان ایرانیان پذیرفته شد و در طول یازده قرن، همواره، اساس اندیشه‌های علمی - فرهنگی آنان را شکل داد؛ بطوری که تقریباً، در تمامی علوم و فنون - حتی بسامان بردن ادبیات عرب - گوی سبقت را از دیگر مسلمانان ربوده، صدر نشین دانشیان روزگار خویش و بعد از آن شدند.

از این دوران به بعد مسلمانان ایرانی برای دستیابی به استقلال کامل در فهم دین، و بی‌نیاز نمودن خویش از مرکز خلافت، علاوه بر تمرکز زعامت دینی در ایران، دست به ترجمه آثار و متون دینی به زبان فارسی زدند. در همین سالها، یعنی اواخر قرن سوم یا اوایل قرن چهارم، چندین ترجمه قرآنی به فارسی نگارش یافت و در سده‌های بعد از آن نیز ادامه پیدا کرد. هر چند، متأسفانه، بخش معتابهی از قرآن‌های مترجم و تفاسیر فارسی در لابه‌لای گرد و غبار قرون مدفون شده‌اند، اما خوشبختانه تعدادی از آنها حفظ شده و اکنون در کتابخانه‌های ایران، بخصوص کتابخانه آستان قدس رضوی، و برخی کتابخانه‌های دیگر کشورها نگهداری می‌شود. آنچه در این میان نظرها را به خود جلب می‌کند، تعلق بسیاری از این ترجمه‌ها به مترجمان و مؤلفان دیار خراسان است. گفتنی است که برخی از این ترجمه‌ها، با تلاشهای تنی چند از سخت‌کوشان قرآن پژوه، شناسایی و با تحقیق و تصحیح به زیور طبع آراسته شده‌اند.

کهنترین بازمانده از ترجمه‌های به دست آمده ترجمه

«تفسیر طبری» است.^(۱) هرچند وجود ترجمه‌های دیگر پیش از این ترجمه نامحتمل نیست، اما بدلیل دقیق بودن تاریخ ترجمه این تفسیر و تأثیر بسزایی که در ترجمه‌های بعد از خود داشته است - بطوری که ویژگی اکثر ترجمه‌های قرآن در سده‌های بعد تأثیر پذیری از ترجمه تفسیر طبری است - لذا آن را به عنوان نخستین ترجمه قرآن کریم، که تاکنون شناخته شده است، معرفی می‌کنیم.

○ ○ ○

«جامع البیان عن تأویل آی القرآن» معروف به تفسیر طبری^(۲) از تألیفات ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب طبری املی (۲۲۴ یا ۲۲۵ - ۳۱۰ ق) است. از این تفسیر با عناوینی چون «تفسیر الطبری»، «تفسیر محمد بن جریر»، «تفسیر ابن جریر» نیز یاد کرده‌اند. اما خود مؤلف در کتاب دیگرش به نام «تاریخ الامم والملوک» (تاریخ الطبری) از این تفسیر با عنوان جامع البیان عن تأویل آی القرآن یاد کرده است.

عالمان و مفسرانی چون ابن ندیم، ابو حامد احمد بن ابی طاهر اسفراینی، خطیب بغدادی، ابن خلکان، ابن خزیمه، قفطی، بدرالدین زرکشی، نووی، یاقوت حموی، عبدالرحمن سیوطی، محمد حسین ذهبی و فرغانی از بزرگی کار طبری سخن‌ها گفته و سترگی تفسیرش را ستوده‌اند.^(۳)

○ ○ ○

اما ترجمه معروف به «ترجمه تفسیر طبری».

گزارش این تفسیر که در نیمه دوم قرن چهارم به فارسی برگردانیده شده است، از آغاز تا فرجام در مقدمه آن آمده است. در بخشی از این مقدمه می‌خوانیم:

و این کتاب تفسیر بزرگ است از روایت محمد بن جریر الطبری رحمه الله علیه ترجمه کرده به زبان پارسی و دری راه راست، و این کتاب را بیاورند از بغداد چهل مصحف بود. این کتاب نبشته به زبان تازی و به اسنادهای دراز بود، و بیاوردند سوی امیر سید مظفر ابوصالح منصور بن نوح بن نصر بن احمد بن اسمعیل رحمه الله علیهم اجمعین.

پس دشخوار آمد بر وی خواندن این کتاب و عبارت کردن آن به زبان تازی و چنان خواست که مرین را ترجمه کند به زبان پارسی. پس علماء ماوراء النهر را گرد کرد و این از ایشان فتوی کرد که روا باشد که ما این کتاب را به زبان پارسی گردانیم. گفتند روا باشد خواندن و نبستن تفسیر قرآن به پارسی مرآن کس را که او تازی نداند از قول خدای عز و جل که گفت: وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِبَلْسَانٍ قَوْمِهِ.^(۴)

با این وجود برخی از ارباب تحقیق در ترجمه بودن این اثر از تفسیر طبری تردید کرده‌اند. نخست مرحوم زریاب

۱- این اثر تاکنون سه بار به چاپ رسیده است. چاپ اول توسط دانشگاه تهران (۱۳۴۲) چاپ دوم توسط انتشارات توس (۱۳۵۶) و چاپ سوم نیز توسط همین انتشارات. (۱۳۶۷) مشخصات کتابشناسی آخرین چاپ آن به قرار زیر است:

[طبری، محمد بن جریر]. ترجمه تفسیر طبری فراهم آمده در زمان سلطنت منصور بن نوح سامانی. به تصحیح و اهتمام حبیب یغمائی. چاپ سوم: [تهران]، انتشارات توس، ۱۳۶۷. جلد ۷. مجلد ۴. ۲۰۸۲ ص، وزیری. عکس.

همچنین ترجمه جدیدی از این تفسیر با مشخصات چاپ شده است: طبری، ابی جعفر محمد بن جریر طبری. ترجمه تفسیر طبری. ترجمه و باورقی محمدباقر خالصی. ج ۱. قم، انتشارات دارالعلم، ۱۳۶۴. ۵۱۲ ص، وزیری.

طبری، ابی جعفر محمد بن جریر طبری. ترجمه تفسیر طبری. ترجمه و باورقی محمدباقر خالصی. ج ۲. چاپ دوم: قم، انتشارات دارالعلم، ۱۳۷۱. ۵۹۱ ص، وزیری.

۲- این تفسیر بارها چاپ شده است، مشخصات کتابشناختی دوره‌ای که توسط دارالکتب العلمیه در لبنان به طبع رسیده از این قرار است:

الطبری، ابی جعفر محمد بن جریر. تفسیر الطبری المسمی جامع البیان فی تأویل القرآن. چاپ اول: بیروت - لبنان، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق - ۱۹۹۲ م. ۱۲ جلد. ۶۳۸ + ۶۵۵ + ۶۷۹ + ۶۷۱ + ۵۵۹ + ۶۴۰ + ۶۸۵ + ۴۹۶ + ۵۵۲ + ۶۵۴ + ۷۸۲ + ۷۲۰. رحلی.

۳- در این باره نگاه: یادنامه طبری (چاپ اول: تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، و مرکز تحقیقات علمی کشور، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۹) ص ۵۱-۵۸. مقاله «مدخلی بر احوال و آثار طبری» از محمدباقر حجّتی.

۴- ترجمه تفسیر طبری، ج ۱، ص ۵.

همدیگر آمده‌اند، و به ندرت روایت یکپارچه و بلندی در میان آن هست؛ لذا مترجمان ناگزیر بوده‌اند این روایات و قصص بلند و منسجم را از منبع دیگری برگیرند، و برای این کار، تاریخ طبری منبع اصلی آنها بوده است.^(۲)

تازه‌ترین پژوهش را در این باره آذرتاش آذرنوش در کتاب تاریخ ترجمه از عربی به فارسی ارائه کرده است.^(۳) وی ذیل عنوان «آیا ترجمه تفسیر طبری، به راستی ترجمه تفسیر طبری است؟» این موضوع را از دو زاویه مورد مذاقه قرار داده است: نخست آنکه آیا تشابهی میان دو متن فارسی و عربی وجود دارد یا نه؟ دوم آنکه اگر تشابهی میان دو متن نیست، پس چرا متن فارسی را «ترجمه» خوانده‌اند؟

وی پس از مقایسه تفسیر برخی از سوره‌ها با یکدیگر، درباره تشابه دو متن عربی و فارسی تفسیر طبری می‌نویسد: در این دو تفسیر، هیچ نکته مشابهی یافت نمی‌شود؛ شیوه بیان، ساختمان حکایات و روایات و نحوه نگرش مفسران به سوره و خلاصه همه چیز متفاوت است، آن چنان که پنداری نویسندگان (و نه مترجمان) اصلاً کتاب طبری را نخوانده، یا از آن اطلاعی نداشته‌اند و یا به عمد از آن دوری جسته‌اند....^(۴)

و در باره اینکه چرا این تفسیر را ترجمه تفسیر طبری دانسته‌اند، علت را عدم توجه و دقت در تفاوت بار معنایی ترجمه و تفسیر، در سده‌های مختلف دانسته است.

همو در این مورد می‌نویسد:

چنین به نظر می‌رسد که نویسندگان ایرانی سده

ویژه‌نامه

مرکز ترجمه قرآن مجید

به زبانهای خارجی

به مناسبت چهارمین نمایشگاه بزرگ قرآن کریم

رمضان ۱۴۱۷ - بهمن ۱۳۷۵

موزه هنرهای معاصر

به کوشش: محمد نوری

سیدعلی‌الله قرایی

محمد رضا انصاری

گرافیک: محسن زمانی

با سپاس از: ایرج مرزباده - محمد رضا جعفری‌نیا

مجیدنوری - محسن بابایی‌سلفی

خوبی نوشت که «ترجمه تفسیر طبری، در حقیقت ترجمه آن نیست». از نظر وی حداکثر این است که تفسیر طبری جزو یکی از چند و چندین مأخذ علمای ماوراءالنهر و گروه مترجمان این اثر بوده است.^(۱)

بهاء‌الدین خرم‌شاهی نیز در این باره می‌نویسد:

... مأخذ اغلب قصص و روایاتی که در این ترجمه آمده، نه تفسیر طبری، بلکه تاریخ طبری است. یعنی مترجمان این اثر، قصص انبیا و سایر قصص و روایات تاریخی ذی ربط را از تاریخ الامم والملوک ترجمه کرده و در تفسیر آورده‌اند؛ و سایر مواد تفسیری را از منابع مختلف و متعدد، که تفسیر طبری فقط یکی از آنها بوده، نقل و ترجمه کرده‌اند.

مؤید این امر آن است که در تفسیر ۳۰ جلدی طبری آنچه هست، فقط هزاران حدیث است که غالباً کوتاه و همواره جسته جسته و منفصل از

۱- مجله سنن، سال ۱۱، ص ۱۲۰۹. به نقل از بهاء‌الدین خرم‌شاهی. قرآن پژوهی، (هفتاد بحث و تحقیق قرآن). (چاپ اول: تهران، مرکز نشر فرهنگی مشرق، ۱۳۷۲)، ص ۱۷۰.

۲- بهاء‌الدین خرم‌شاهی، پیشین، ص ۱۷۰.

۳- آذرتاش آذرنوش. تاریخ ترجمه از عربی به فارسی (از آغاز تا عصر صفوی). (چاپ اول: تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۵). ج ۱، ص ۴۹-۶۲.

۴- همان، ص ۵۲.

چهارم هجری، خاصه در مشرق ایران، عموماً کلمه «ترجمه» و گاه «ترجمان» را به معنایی که امروز می‌شناسیم به کار نمی‌بردند، بلکه بیشتر از «ترجمه» معنی شرح، تفسیر، بیان، و شاید تلخیص، و از «ترجمان» گاه معنی ترجمه، مترجم و گاه معنی مفسر، ناقل و حتی واسطهٔ میان دو کس را اراده می‌کردند...^(۱)

به نظر وی مقصود علمای ماوراءالنهر از خواندن و نبستن تفسیر قرآن پارسی، خواندن و نوشتن ترجمهٔ قرآن است نه تفسیر آن.^(۲)

بنابراین تصور اینکه این تفسیر، ترجمهٔ تفسیر طبری است از همینجا پیدا شده که تفاوت معنایی میان ترجمه و تفسیر در آن روزگار و سده‌های بعد از آن مورد دقت قرار نگرفته است.



علی ای حال، هیچ کس نمی‌تواند منکر اهمیت و نقش گشایشگر استفتای امیر سامانی دربارهٔ ترجمهٔ قرآن شود. اعلام حلیت ترجمه قرآن به زبانهای دیگر، از سوی علمای ماوراءالنهر در حقیقت نقطهٔ عطفی شد برای آغاز نهضت ترجمهٔ قرآن و نگارش تفاسیر آن به زبان فارسی و یا گویشهای محلی.

بر این اساس باید ترجمهٔ تفسیر طبری را، علاوه بر اینکه یکی از شگفتیهای ادب پارسی است، بارقه‌ای دینی دانست که از عمق ایمان ایرانیان مسلمان درخشیدن گرفت و سرچشمه‌ای شد برای ریختن مفاهیم اصیل قرآنی به جان هزاران هزار مسلمان دیگر. در حقیقت با اینکه صدها سال از عمر این تفسیر می‌گذرد، اما هنوز بسیاری از واژه‌های آن در ترجمه‌های قرآنی معاصر به حیات خود ادامه می‌دهند و هیچ مترجم آگاهی نیست که خود را از مراجعه به این تفسیر بی‌نیاز بداند.



ترجمهٔ تفسیر طبری به لحاظ اسلوب نگارش (رسم الخط، صرف، نحو و لغت) همانند دیگر متون روزگار خویش

است؛ و در مواردی شبیه نثر سده‌های بعد و یا معاصر. از ویژگیهای آن حضور لغات زیبایی است که با کمی تغییر از زبان پهلوی خود را به آن رسانده‌اند. مانند: نیوکوتر (نیکو)، نبشتن (نوشتن)، شارسنان (شهرستان)، هنباز (انباز)، جمنده (جنبنده)، کیخدا (کدخدا)، گوسفندکشان (عید قربان و اضحی)، کوزک پا (غوزک پا)، دشمنانگی (دشمنی)، باشیدن (بودن)، اوام (وام) کلاستگ (فلاستگ، فلاخن)، بلاوه (زن زشتکار)، دشکام (بدکام)، باهو (باز)، سیک (سه یک، ثلث)...^(۳)

کاربرد و ساخت لغات مرکب در برابر لغات عربی را می‌توان خاصه دیگری برای این تفسیر دانست. مثلاً: خواهشگری (شفاعة)، گزندگان (ضازین)، گمان‌ندان (ممتزین)، افسوس‌کنان (مستهنزون)، بسامانان (مصلحون)، ترسکاران (خاشعین)...^(۴)



گفته شد که علمای ماوراءالنهر حکم به جواز ترجمهٔ قرآن را در پاسخ استفتای امیر سامانی صادر کردند. اما مترجمان با اینکه این حکم را در دست داشتند و دیگر هیچ مانع شرعی بر سر راه آنان برای ترجمهٔ قرآن بنحو مطلوب نبود، با تردید و احتیاط بسیار قرآن را به فارسی ترجمه کردند. این وسواس آنان بخوبی از مقایسهٔ عبارات متن تفسیر با عبارتهایی که برای ترجمه قرآن به کار گرفته‌اند، معلوم می‌شود. حتی این تفاوت در مقایسهٔ آیاتی که در ضمن متن ترجمه شده‌اند نیز به وضوح پیداست.

برای مثال به نمونه‌های ذیل نگاه کنید:

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ.^(۵)

۱- همان، ص ۵۳.

۲- همان، ص ۵۵.

۳- آنچه در اینجا آمده است اقتباسی است از مقالهٔ عالمانهٔ دکتر مهدی محقق با عنوان «ترجمهٔ تفسیر طبری» که در یادنامهٔ طبری به طبع رسیده است. برای اطلاعات بیشتر در این باره رک: یادنامهٔ طبری، ص ۷۴-۷۳.

۴- همان.

۵- سورهٔ قصص، آیه ۸۵.

ترجمه قرآن تفسیر: حقا که آنک بفرستاد بر تو قرآن باز برد ترا سوی وعده گاه... (۱)

... يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ (۹) ...
... بیارد به شما خدای (۱۰) ...

ترجمه در ضمن تفسیر: آن خداوند که این قرآن به تو فرو فرستاد هم آن خدای ترا به مکه باز رساند... (۲)

در صورتی که ترجمه آن چنین است:
... خدا شما را حاضر می آورد (۱۱) ...
و بنگرید به ترجمه آیه ۹۸ از سوره توبه:

یا ترجمه این آیه:

أَنْتَى يَكُونُ لِي عُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكْ بَغِيًّا (۳)

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَزَبَّصُ بِكُمْ الدَّوَابِرَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ ...

ترجمه قرآن تفسیر: از کجا بود مرا پسری، و نرسیده است به من آدمی، و نبودم وی سامان کاری. (۴)

و از عرب آنک گیرد آنچه هزینه کند با وامی، و چشم دارد بشما گشتن برایشان گشتن بد... (۱۲)

ترجمه در ضمن تفسیر: ... مرا چگونه فرزند باشد که مرا هرگز هیچ آدمی نبسوده باشد؟ و مریم نیست از فسادکاران و پلیدکاران. (۵)

معنی این آیه در ترجمه قرآن عبدالمحمد آیتی چنین است:
پاره‌ای از عرب‌های بادیه نشین آنچه را که خرج می‌کنند چون غرامتی می‌پندارند و منتظرند تا به شما حوادثی برسد. حوادث بد بر خودشان باد...

همچنین است ترجمه این آیه:

قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي (۶)

اضافه کنیم که با تمام نقدهایی که ممکن است بر ترجمه آیات قرآن این تفسیر وارد شود، به هیچ وجه نمی‌توان منکر تأثیر بسزای آن در ترجمه‌های قرآن کریم از یازده قرن پیش تاکنون شد.

ترجمه قرآن در تفسیر: گفت سامری: بدیدم آنچه ندیدی شما آنرا - یا بنی اسرائیل - برگرفتم خاک از پی اسب جبریل. برانداختم آن خاک را در دهن گوساله، و چنان آراسته کرد مرا تن من. (۷)

ادامه دارد

ترجمه در ضمن تفسیر: گفت من آن دیدم از ایشان که تو ندیدی. قبضه‌ای از پی پای جبریل برگرفته بودم و بدان گوساله اندر انداختم تا به سخن آمد. و نیز تن من مرا بر آن داشت که ایشان را هلاک کنم... (۸)

دقت و وسواس بیش از حد سبب شد که ایشان به ترجمه‌ای لفظ به لفظ از آیات قرآن بپردازند و بیش از این نتوانند پافراتر گذارند. لذا برای تک تک الفاظ ناچار از واژه‌گزینی شدند و در این راه یا از واژه‌های عربی استفاده کردند و یا معادلی فارسی برای آنها جستند.

ناگفته نماند که در این ترجمه به اصطلاح تحت اللفظی عباراتی را نیز ساختند که معنای درستی از آنها فهمیده نمی‌شود. مثلاً آیه ذیل را اینگونه ترجمه کردند:

- ۱- ترجمه تفسیر طبری، ج ۵، ص ۱۲۷۵.
- ۲- همان، ج ۲، ص ۳۶۶.
- ۳- سوره مریم، آیه ۲۰.
- ۴- ترجمه تفسیر طبری، ج ۴، ص ۹۵۹.
- ۵- همان، ج ۴، ص ۹۸۰.
- ۶- سوره طه، آیه ۹۶.
- ۷- ترجمه تفسیر طبری، ج ۴، ص ۹۹۵.
- ۸- همان، ج ۴، ص ۳۹۰.
- ۹- سوره بقره، آیه ۱۴۸.
- ۱۰- ترجمه تفسیر طبری، ج ۱، ص ۱۰۹.
- ۱۱- از ترجمه قرآن عبدالمحمد آیتی.
- ۱۲- ترجمه تفسیر طبری، ج ۳، ص ۶۲۵.